

بررسی نقش مودت و رحمت میان همسران از منظر قرآن کریم؛ با تأکید بر راهکارهای اخلاقی

سجاد آنسته*

اطهر درویشی**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲

چکیده

یکی از اصول اخلاقی حاکم بر روابط همسران، اصل مودت و رحمت است. از منظر قرآن، می‌توان چنین اصلی را از زمره اصول اخلاقی روابط اجتماعی مسلمانان پنداشت، اما جایگاه این اصل در خصوص روابط همسران، از اهمیت و تأکید فوق العاده‌ای برخوردار است. خداوند متعال در آیه‌ای از قرآن کریم، فلسفه خلقت هر یک از همسران را رسیدن آنان به آرامش دانسته و در همان آیه، سخن از جعل مودت و رحمت به میان آورده است. براین اساس، به نظر می‌رسد که مودت و رحمت، لازمه حصول چنین آرامشی است که همواره لازم است برای حفظ کیان و قداست خانواده مورد اهتمام همه صاحب نظران قرار گیرد. مودت و رحم، طبع انعطاف‌پذیر خانواده را صرفاً به احکام آمرانه منحصر نمی‌کند، بلکه برای ایجاد نظم و آرامش در خانواده، به حاکمیت چنین اصلی نیز توجه دارد. با عنایت به اهمیت آن اصل از منظر قرآن کریم، اهتمام به راهکارهای اخلاقی مرتبط با آن، همچون

*کارشناسی رشته حقوق دانشگاه مفید / a/thar.darvishe7531@yahoo.com

**کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه مفید / sajanaste128@gmail.com



گذشت، سازش و فداکاری لازم و ضروری است. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی، در صدد تبیین راهکارهای اخلاقی مرتبط با اصل مودت و رحمت میان همسران از منظر قرآن کریم است

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، اصل اخلاقی، مودت، رحمت، همسران.

مقدمه

فضای روابط همسران از نظر قرآن کریم، مملو از بایسته‌ها و شایسته‌های اخلاقی است که پیوند مودت آمیز و عاشقانه همسران را محکم و استوار می‌نماید. شناخت اصول اخلاقی روابط همسران از منظر قرآن کریم، ارمغانی نوین و تمدنی ناب را ثمربخش است. از جمله این اصول در این رابطه، اصل مودت و رحمت است. با عنایت به چنین اصلی، عشق جان‌مایه روابط همسران است و آرامش همسران هیچ‌گاه با حاکمیت اصول حقوقی به وجود نمی‌آید.

به تعبیری دقیق‌تر، پایه و شالوده اجتماع خانواده بر اصول اخلاقی همچون این اصل استوار است که کارایی آن در کنار کارایی قوانین حقوقی که برای ایجاد نظم و گریز از هرج و مرج لازم است دوچندان است؛ از این رو، با توجه به اهمیت فراوان این اصل در روابط همسران از منظر قرآن کریم، این پژوهش در پی بررسی این موضوع است و برای حفظ و دوام این اصل، به ارائه راه کارهای اخلاقی مرتبط با آن می‌پردازد.

تشریح مستند اصل مودت و رحمت میان همسران

مستند صریح برای برداشت اصل مزبور از قرآن کریم، آیه شریفه‌ای است که می‌فرماید: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیهما و جعل بینکم موده و رحمه ان فی ذلک لقوم یتفکرون» (روم: ۲۱)؛ و از نشانه‌های او این که از نوع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام بگیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این نعمت برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است. در تشریح و تبیین آیه مزبور، نخست باید این نکته را خاطر نشان سازیم که اندیشه و



تعامل برای تبیین و معرفی اصل مربوط از آیه فوق الذکر، نکته مهمی است که پایان آیه شریفه آن را یادآور می‌شود. به این ترتیب در این مجال، سعی بر آن است که با نگرشی دقیق به اتخاذ نکاتی کلیدی در این خصوص پرداخته شود.

طرفینی بودن آرامش

برخی مفسران بر این عقیده‌اند که خطاب آیه شریفه مزبور، منحصر به مردان است و مقصود آن است که زنان برای آرامش مردان خلق شده‌اند. این برداشت بر این اساس که خطاب در «انفسکم» و «لتسکنوا»، به شکل خطاب با مردان است؛ همان گونه که تانیث ضمیر در «الیها» نیز برخی از اذهان را به آن اندیشه سوق داده است. عده‌ای از صاحب نظران پیرامون این آیه، از اساسی تربودن زن در ارکان خانواده سخن گفته‌اند و در این باره نگاشته‌اند: «آنکه آرامش می‌دهد، زن است و آنکه آرامش می‌پذیرد، مرد است؛ یعنی زن عاملی است که اضطراب و پریشانی روحی مرد، به وسیله او درمان شده و در محیط خانواده به آرامش می‌رسد، این نکته اساسی تربودن زن در ارکان خانواده حکایت دارد» (منصورنژاد، ۱۳۸۱، ص ۱۱۱).

به نظر می‌رسد در این تحلیل‌ها، فهم متن تنها به ظاهر منحصر گشته است و قرینه کلام مورد غفلت قرار گرفته است، بلکه از همان حیث معناشناسی نیز توجه چندانی به معانی واژه‌ها نگشته است؛ زیرا گذشته از آنکه واژه «انفسکم» در بسیاری از آیات قرآن، بر انسان‌ها حمل شده است، با توجه به قرینه «بینکم» در عبارت «وجعل بینکم موده ورحمه»، که خطاب آن به هریک از همسران روشن است، می‌تواند خطاب در «انفسکم» و «لتسکنوا» نیز به هریک از



همسران مرتبط باشد. افزون بر اینکه واژه «ازواج» نیز می‌تواند بر هریک از همسران اطلاق گردد؛ زیرا «ازواج» جمع زوج است و «زوج» هم بر مذکر و هم بر مؤنث اطلاق می‌گردد (ابن‌نظور، ۲۰۰۰ م، ج ۷، ص ۷۶).

بسیاری از مفسران نیز در این خصوص توجه لازم را داشته‌اند و آرامش در آیه مزبور را طرفینی یافته‌اند. برخی گفته‌اند: «واژ نشانه‌های خدا این است که از خود شما انسان‌ها همسرانی برایتان آفرید» (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۱۱، ص ۱۱۴). یا عده‌ای نگاشته‌اند: «کلمه ازواج جمع زوج است و کلمه زوج برای زن و مرد به کار می‌رود. پس، کلمه ازواجاً در اینجا هم به زنان اطلاق می‌شود، هم به مردان و مؤنث بودن ضمیر «الیها»، به اعتبار این است که کلمه ازواج جمع است» (نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۱۵، ص ۲۳۵).

به این ترتیب، چنان که ملاحظه شد، مراد از فراز نخست آیه مزبور «و خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها» چنین است: فلسفه خلقت همسران آن است که هریک از آنها، توسط دیگری به آرامش دست یابند.

تفاوت مفهومی مودت و رحمت

در خصوص تفسیر دو مفهوم «مودت» و «رحمت»، کما بیش تفاوت آشکاری در بسیاری از تفاسیر موجود دیده نمی‌شود، بلکه بعضاً به دلیل ترابط و تعامل این دو واژه، به تفاوت آنها نشده است. اما بی‌شک، کاربرد هر واژه دریای بیکران قرآن کریم، جایگاه و معنای خاص خود را دارد که این دو واژه نیز از آن مستثنا نیستند. واژه «مودت» در آیه مزبور، به معنای «دوستی و محبت» لحاظ شده است. به نقل از ابن سیده، واژه‌های «وَدَا، وَدَا، وَدَا، وَدَادَا، وَدَادَا، مَوَدَّه و مَوَدَّد». همگی



مصادر واژه «وده» هستند که معنای «احب» را می‌دهد (ابن منظور ۲۰۰۰ م، ج ۱۵، ص ۱۷۷). از این رو، «موده» مصدری است که در این آیه شریفه، به عنوان اسم مصدر و به معنای دوستی و مهرورزی است؛ اما واژه‌های «رحمه، مرحمه، ورحما» مصادر ماده «رحم» هستند. (زمخشری، ۱۴۰۲، ق، ص ۱۵۸). این مصدر، که به معنای دلسوزی نمودن و عاطفه‌ورزیدن است، ضمن آنکه نسبت به مودت از گسترده معنایی بیشتری برخوردار است، در آیه شریفه مزبور، اسم مصدری است که معنای دلسوزی نیز از آن به دست می‌آید. برخی، رحمت را رقت قلب و انعطافی شمرده‌اند که مقتضی تفضل و احسان و مغفرت است (شرتونی، لبنانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۳۹۶).

برخی مفسران نیز به تفاوت معنایی این دو واژه توجه نموده‌اند؛ از جمله برخی بر این باورند: «مودت غالباً جنبه متقابل دارد، اما رحمت یک جانبه و ایثارگرانه است؛ زیرا برای بقای یک جامعه گاه خدمات متقابل لازم است که سرچشمه آن مودت است و گاه خدمات بلاعوض، که نیاز به ایثار و رحمت دارد» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۷، ج ۱۶، ص ۳۹۳). برخی دیگر، به کارایی مودت و رحمت در کنار یکدیگر اشاره نموده‌اند که این خود حکایتگر توجه مفسر به تفاوت معنایی این دو واژه است؛ چنانکه گفته‌اند: «مودت و رحمت، هر دو با هم کارساز است. مودت بدون رحمت، به سردی کشیده می‌شود و رحمت بدون مودت نیز دوام ندارد» (قرائنی کاشانی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۱۸۹).

محوریت مودت و رحمت در روابط همسران

نکته مهمی که از آیه شریفه قابل برداشت است، اینکه مودت و رحمت بین همسران، از جمله پایه‌ها و ستون‌های محکم روابط همسران تلقی می‌گردد، به گونه ای که انتظار می‌رود دیگر روابط همسران حول این محور اساسی، راه سلامت و سعادت همسران را هموار نمایند. به موازات این حقیقت که خداوند متعال، مودت و رحمت را میان همسران قرار داده و آن را در کنار آرامش همسران مطرح نموده است، می‌توان به جرئت جایگاه رفیع و برجسته مودت و رحمت را در روابط همسران مدعی بود و آن نظریه را در قالب «اصل مودت و رحمت» ادعا کرد و اعتراف نمود که سلامت روابط همسران، بر پایه و ستون چنین اصلی سنجش و ارزیابی می‌گردد. صرف نظر از اینکه ممکن است این اصل بر اساس آیه مزبور بر تمام روابط افراد جامعه اسلامی حاکم باشد، اما با توجه به قرینه کلام، که جریان آرامش همسران را مطرح کرده است، به نظر می‌رسد اصل مذکور در این فراز از قرآن کریم، در خصوص همسران باشد. و به فرض که چنین اصلی (مودت و رحمت در روابط اجتماعی مسلمانان)، علی‌رغم برداشت از آیات دیگر قرآن کریم، از این آیه نیز حاصل آید، باید اعتراف کرد که تبیین آن در کنار آرامش همسران، نشان از کارایی بیشتر آن در قلمرو روابط همسران دارد.

برخی مفسران در این خصوص، به سیاق آیه توجه ورزیده، گفته‌اند: «از سیاق آیه بر می‌آید مراد از مودت و رحمت در آیه، همان مودت و رحمت خانوادگی است، هر چند اطلاق آیه شامل دومی نیز می‌شود.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۵۰). اصلیت این موضوع در قلمرو خانواده، اگرچه در نزد بسیاری از صاحب نظران، جایگاه تشریح و تفصیل را به خود نیافته است، اما نفوذ و اعتبار آن





در نزد آنان پذیرفته و قطعی است، حتی در نوشته‌های خود، به ارزش و اعتبار آن توجه ورزیده‌اند. از جمله برخی ضمن آنکه یکی از مبانی حقوقی و اخلاقی در خانواده را، اصل تامین نیازهای عاطفی تلقی نموده‌اند، در این باره نگاشته‌اند:

نیرومندترین عامل دوام و رشد خانواده، عاطفه و محبت اعضای خانواده به یکدیگر است. بنابراین، به حکم عقل، اگر زندگی خانوادگی، ضرورت داشته باشد، بهترین عامل برای استحکام و بقای آن، برانگیختن عواطف متقابل افراد خانواده نسبت به یکدیگر است (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۷۲).

این موضوع در الگوی رفتاری همسران مسلمان، نقش محوری دارد؛ هر چند برخی متفکران ادیان و مکاتب دیگر نیز به این محوریت توجه داشته‌اند. همان‌گونه که هدفیلد در کتاب خود، یکی از اصول اخلاقی را اصل مودت یا قانون مودت مطرح می‌کند. او ضمن آنکه بر این باور است که مسیحیت، محبت را ستوده، اما قایل است که مسیح پایه‌گذار محبت نبوده، بلکه دستور مسیحیت کاملاً با اصول اخلاقی بقای نسل و انسانیت منطبق بوده است (هدفیلد، ۱۳۷۴، ص ۱۷۷ و ۱۷۴). حال آنکه طبق آیه شریفه مزبور، اخلاق‌هایی همچون دوستی و عاطفه و دلسوزی در بین همسران، نه تنها اخلاق ضعیف شمرده نشده‌اند، بلکه زمینه‌ساز آرامش آنان بوده و طبیعتاً از جمله اخلاق‌های قوی و اساسی در نزد شریعت اسلامی محسوب می‌گردند.

جعل تکوینی مودت و رحمت

نکته‌ای دیگر که در خصوص این فراز از آیه شریفه «و جعل بینکم موده و رحمه» باید تصریح کرد، این است که جعل مودت و رحمت در میان همسران،



یک جعل تکوینی است و خداوند آن را در وجود همسران قرار داده است؛ موضوعی که به روشنی از ظاهر آیه شریفه برداشت می‌شود. به عبارت دیگر، وجود مهر و محبت میان همسران، امری الهی است. جعل تکوینی محبت در قلوب انسان‌ها، از آیه ۶۳ سوره «انفال» نیز قابل برداشت است: «وَالْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ»؛ در میان دل هایشان الفت انداخت. تکوینی بودن این جعل را از تفسیر مفسران می‌توان برداشت کرد؛ هر چند نحوه ساختار و شکل بیانی این موضوع، در تفاسیر موجود متفاوت است.

حاصل اینکه این مودت و رحمت غالباً پس از عقد زناشویی، در صورت انتخاب صحیح و شرایط لازم پدید می‌آید. اما نکته‌ای که در اینجا جای تحقیق دارد، این است که همسران باید همواره برای حفظ و استقرار و پیشرفت و شکوفایی چنین اصلی کوشا باشند و تصور نکنند که جعل تکوینی از آسیب‌ها و آفت‌های مهلک در امان است. بی‌شک، وجود نعماتی که خداوند متعال برای حیات سالم انسان‌ها تکوین نموده است، لازم و ضروری است و همان‌گونه که وجود دست و پا و گوش و دهان و ... برای تحقق انسان لازم است، وجود مودت و رحمت نیز برای روابط سالم همسران حیاتی است. بدین ترتیب، چنین جعلی مقتضی آن است که همسران همواره برای شکوفایی و پویایی این اصل تلاش کرده، اجازه ندهند به سبب جهل و یا غفلت و یا سهل‌انگاری، چنین اصلی مورد صدمه و هجوم آفت‌ها و آسیب‌های جبران‌ناپذیر قرار گردد.

براین اساس، لازم است هریک از همسران در خصوص حفظ و شکوفایی این اصل، به دستورالعمل‌ها و آموزه‌های اخلاقی، که در زوایای مختلف قرآن کریم قابل بروز و شهود است، و به حکم عقل ارتباط تنگاتنگی با این اصل دارد، پایبند



باشند. لازم به یادآوری است که دستورالعمل‌ها و شاخصه‌های اخلاقی مربوط، تنها از آیاتی که به بیان روابط همسران پرداخته به دست نمی‌آید، بلکه آنها غالباً از آیات مربوط به روابط اجتماعی مسلمانان نیز استنباط می‌شود که عقلاً گستره آنها بر قلمرو روابط همسران، پذیرفته و منطقی است و چه بسا نقش و رسالت آنها در این خصوص اساسی‌تر باشد. از این رو، سعی می‌کنیم در این مجال، به طرح و شرح اهم آن بایستگی‌های اخلاقی بپردازیم.

راه کارهای اخلاقی مرتبط با اصل مودت و رحمت در روابط همسران ۱. وفاداری

وفاداری در روابط همسران، که در مقابل خیانت قرار دارد، از جمله مهم‌ترین و ضروری‌ترین رفتارهای اخلاقی میان همسران به شمار می‌رود و هر منطق سلیمی، ضرورت و نقش مهم آن را در روابط همسران گواهی می‌دهد. در رابطه با معنای «وفاداری همسران» نسبت به یکدیگر آمده است: «وفاداری آن است که زن یا مرد رابطه نامشروع با یکدیگر نداشته باشد» (گرجی و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۱۸۰). طبق این تعریف، وفاداری همسران از معنای گسترده‌ای برخوردار است و هرگونه رابطه نامشروع همسران با دیگری را شامل می‌شود. افزون بر اینکه، عدم وفاداری یا خیانت همسران نسبت به یکدیگر، امری غیراخلاقی است و مغایر شأن انسانی انسان نیز هست. وفاداری، در جهت حفظ مودت و رحمت بین همسران و در نتیجه، حفظ نظام آرام خانواده، نقش به سزایی دارد. روشن است چنان‌که خیانت و عدم وفاداری در روابط همسران جایگزین وفاداری گردد، طبیعتاً روابط سرد و بی‌روح نیز جایگزین روابط محبت‌آمیز آنان



می‌گردد؛ زیرا اعتماد و باور متقابل همسران، از جمله لوازم محبت و رحمت میان آنها قلمداد می‌شود. بدین ترتیب، هرگاه یکی از زوجین چنین لازمه‌ای را خدشه‌دار کند و خود را در معرض خیانت و عدم وفاداری قرار دهد، ارکان مودت و رحمت را بین خود و همسرش متزلزل نموده، پشتوانه آرامش خود را به چالش عمیقی فروکشانده است. خداوند متعال در قرآن کریم، با چشم‌چرانی زنان و مردان مخالفت ورزیده است. به نظر می‌رسد، می‌توان یکی از فلسفه‌های آن را در باب روابط همسررداری، به وفاداری همسران نسبت به یکدیگر مرتبط دانست؛ زیرا چنان‌که انسانیت انسان اقتضا می‌کند که از نگاه‌های آلوده پرهیز نماید و خود را در برابر نامحرمان ثابت و محکم نگاه دارد، به طریق اولی در چارچوب خانواده از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

قرآن کریم در باب روابط نامشروع هریک از افراد جامعه با دیگری، به نگاه آلوده که شاید از زمره نخستین و ساده‌ترین روابط نامشروع به شمار می‌رود، اشاره نموده، خطاب به پیامبر خود می‌فرماید: «به مردان با ایمان بگو: دیده فرو نهند و پاک دامنی ورزند» (نور: ۳۰). نیز فرموده است: «به زنان با ایمان بگو: دیدگان خود را از هر نامحرمی فرود بندند و پاک دامنی ورزند» (نور: ۳۱). با توجه به آیات مذکور، می‌توان چشم‌چرانی را ساده‌ترین بی‌وفایی همسران و عدم پاک‌دامنی را شدیدترین نوع آن دانست؛ چرا که چشم‌چرانی، مقدمه هرگونه بی‌وفایی است و زمینه را برای ایجاد فسادهای اخلاقی فراهم می‌کند و اعتماد همسران را از یکدیگر سلب می‌کند. حداقل اثر زیانبار نگاه‌های آلوده هریک از همسران به دیگران، کاستن محبت و علاقه بین آنهاست؛ زیرا دقت در زیبایی‌ها و کمالات دیگران و مقایسه آنها با همسر خود، ممکن است موجب از چشم افتادن همسر خود و در نتیجه، باعث



سردی روابط همسران گردد.

گفتنی است تکلیف به وفاداری همسران نسبت به یکدیگر، آن قدر روشن است که در قانون مدنی ایران، سخنی از آن به میان نیامده است و طبعاً این موضوع دلالت بر عدم اهتمام آن نزد فقها و حقوق دانان قلمداد نمی شود.

۲. حسن ظن

باید اذعان کرد که شریعت اسلامی، به رغم تکلیف کردن همسران به وفاداری نسبت به یکدیگر، هرگونه سوء ظن و یا بدگمانی را در روابط آنها مطرود شمرده، هرگز اجازه نمی دهد غیرت مردانگی و احساسات زنانگی، موجب شود که همسران نسبت به یکدیگر گمان منفی داشته باشند و در امور معمول و روزمره یکدیگر کاوش و جست وجو کنند. قرآن کریم با هرگونه سوء ظن مخالفت ورزیده، تا آنجا که فرموده است: «ای کسانی که ایمان آوردید، از بسیاری از گمان ها پرهیزید که بعضی از گمان ها گناه است» (حجرات: ۱۲). در آیه ای دیگر می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد، نیک واری کنید، مبادا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و بعد از آنچه کرده اید، پشیمان شوید» (حجرات: ۶).

در نگاه حضرت علی علیه السلام بدگمانی از جمله آفت های دوستی به شمار می رود؛ چنان که در این باره فرموده است: «غریب کسی است که هیچ دوستی ندارد. بدگمانی تو را از داشتن رفیق مهربان محروم نکند» (مجلسی، ۱۴۰۵، ج ۷۷، ص ۲۱۱). به این ترتیب، چنان که شخصی نسبت به همسر خود افکار و گمان های منفی داشته باشد، هم خود را در معرض وحشت و تنهایی قرار داده



است و به دلیل عدم اطمینان به همسرش، نمی‌تواند با او رفتار محبت‌آمیز و عاشقانه داشته باشد و طبیعتاً همسرش را از خود دور ساخته است؛ زیرا چنان‌که زن و یا شوهری خود را در منظر گمان‌های زشت و منفی طرف مقابل خود می‌بیند، همواره از توجهات و خیالات خام و اشتباه همسرش در رنج و عذاب بسر می‌برد و به جای احیا و حفظ دوستی و مهرورزی با همسر خود، در آرزوی رهایی و آزادی از شرافکار منفی و کاوش‌های بی‌جا و پندارهای غلط اوست.

البته هریک از همسران موظفند حتی در صورت وفاداری کامل، زمینه‌های اعتماد و اطمینان را در یکدیگر فراهم سازند تا همسر خود را در فضای پندارهای غلط قرار ندهند. از این رو، اهتمام همسران به آرامش یکدیگر، مقتضی این است که آنها یکدیگر را در تخیلات آرامش‌زدا و چالش‌های عصبی قرار ندهند؛ بی‌دلیل رابطه عاشقانه و محبت‌آمیز خود را قربانی توهّمات نکنند؛ همان‌گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ایام چهل روزه‌ای که از همسرش خدیجه رضی الله عنها دور بود، برای آنکه خدیجه به او بدگمان نشود، چاره‌ای اندیشید؛ چنان‌که نقل شده است: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عمار یاسر را به سوی خدیجه رضی الله عنها فرستاد و فرمود: به خدیجه بگو که گمان نکنی از تو بریده‌ام. بدان که پروردگار عزوجل، من را به چنین کاری امر ننموده و امرش نافذ است. ای خدیجه رضی الله عنها، جز گمان خیر به من نبی» (مجلسی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۷۸).

۳. عفو و گذشت

عفو و گذشت، یکی دیگر از اساسی‌ترین رفتارهای اخلاقی است که روابط انسان‌ها را بشردوستانه می‌گرداند. با توجه به جایز الخطا بودن آدمی، از اهمّ روابط



اخلاقی افراد جامعه محسوب می‌شود. قرآن کریم همواره بر عفو و گذشت در روابط اجتماعی مسلمانان اهتمام و تاکید ورزیده، تا آنجا که می‌فرماید: «و ان تعفوا اقرب للتقوی» (بقره: ۲۳۷)؛ گذشت نمودن شما به تقوا نزدیک‌تر است. عبارت شریفه مزبور در قرآن کریم، پس از مسئله گذشت زنان از مهریه خود، پیش از روابط زناشویی مطرح شده است. اما از آن جهت که هیچ دلیلی بر انحصار این شاخصه رفتاری در آن بخش خاص وجود ندارد، باید اذعان کرد که باور و فرهنگ قرآنی، ناظر به همه روابط جمعی مسلمانان است. براین اساس، هریک از همسران، به عنوان اعضای اصلی جامعه اسلامی، باید برای حفظ مودت و رحمت میان خود، از این مهم غفلت نورزیده، کانون گرم خانواده جولانگاه قهر و کینه قرار ندهند.

عفو و گذشت، نه تنها روابطی را که بر پایه دوستی و محبت بنا شده است، مستحکم‌تر می‌کند و مستلزم پیوند عمیق قلب‌هاست، بلکه تأثیرشگرف آن بر روابطی که حتی در بحران‌ها و کدورت‌ها فرو رفته است، غیرقابل انکار است؛ به گونه‌ای که چاره‌سازی آن را در خصوص برگشت مودت و رحمت نیز نمی‌توان نادیده انگاشت. همان‌گونه که پروردگار متعال نیز در این زمینه فرموده است: «و نیکی را به بدی یکسان نیست. بدی را به آنچه خود بهتر است، دفع کن؛ آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یک‌دل می‌گردد» (فصلت: ۳۴). نکته قابل توجه در این آیه شریفه این است که چنان‌که دشمنی و کدورتی در میان اشخاص وجود داشته باشد، عفو و گذشت و صبری نمودن، آن رابطه سرد و بی‌روح را به روابطی صمیمی و گرم مبدل می‌سازد؛ چه رسد به آنجا که روابط انسان‌ها از جمله همسران دوستانه و محبت



انگیز باشد. در نتیجه، چنین رفتاری در آنجا، عاملی جدی در جهت حفظ و تقویت مودت و رحمت خواهد بود.

۴. صلح و سازش

در یک محیط جمعی همچون خانواده، طبعاً همه افراد از افکار و عقاید و آرمان های یکسانی برخوردار نیستند، بلکه گاهی در برخی مسائل با یکدیگر تفاهم نداشته، ممکن است در موضوعی خاص، چالش ها و اختلالاتی در روابط آنها به وجود آید. بی شک، بروز و ظهور این وضعیت در بین همسران، نیازمند کنترل و تعدیل جدی تری است و خطری اساسی برای فضای دوستانه و صمیمی خانواده تلقی می گردد. از این رو، صلح و سازش که خنثی کننده نزاع و درگیری محسوب می گردد، در حوزه روابط همسران از اهمیت بالایی برخوردار است.

خداوند متعال نزاع و درگیری را در روابط افراد نمی پسندد و در این خصوص می فرماید: «و اصلحوا ذات بینکم» (انفال: ۱)؛ خصومت هایی را که در میان شماست، آشتی دهید. در آیه ای دیگر می فرماید: «با هم نزاع مکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود» (انفال: ۴۶). قطعاً مودت و رحمتی که خداوند آن را در بین همسران نهاده است، مایه استحکام و پایداری نظام خانواده است. بر این اساس،

مسئله مودت و رحمت در حقیقت ملاط و چسب مصالح ساختمانی جامعه انسانی است؛ چرا که جامعه از فرد فرد انسان ها تشکیل شده است؛ همچون ساختمان عظیم و پر شکوهی که از آجرها و قطعات سنگ ها تشکیل می گردد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۹۲).



نکته دیگر لازم به یادآوری است اینکه چه بسا ممکن است موقعیت همسران، به هنگام نزاع به گونه‌ای باشد که آنها نتوانند به سهولت، راه صلح و سازش را انتخاب کنند. بدین ترتیب، خداوند متعال در این شرایط، وظیفه اخلاقی دیگر افراد می‌داند که همسران را به سوی سازش ترغیب کند و از این رو، می‌فرماید: «و اگر از جدایی میان آن دوزن و شوهر بیم دارید، پس داوری از خانواده آن شوهر و داوری از خانواده آن زن تعیین کنید. اگر سرسازگاری دارند، خدا میان آن دو سازگاری خواهد. آری خدا دانای آگاه است» (نساء: ۳۵).

ظاهراً طبق فرهنگ قرآنی، همیاری دیگران در مصالحه، تنها مربوط به همسران نیست، بلکه این نوع اخلاق حسنه بر تمام روابط جمعی مسلمانان مورد اهتمام و تاکید است. همان گونه که پروردگار متعال در این خصوص می‌فرماید: «در حقیقت، مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان سازش دهید» (حجرات: ۱۰). اما به نظر می‌رسد، مصالحه میان همسران، از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا افزون بر آنکه قرآن کریم در زمان اختلاف همسران، داوری حکمین را مطرح می‌کند و حتی «به نحوارشاد» (ر.ک: نجفی، بی‌تا، ج ۳۱، ص ۲۱۳)، آن را به خانواده زوجین، که طبعاً نسبت به همسران دلسوز هستند، می‌سپارد. با نگاهی عمیق‌تر به آموزه‌های قرآنی، می‌توان تصریح نمود که قرآن کریم در زمان جدایی همسران، ضوابط را به نحوی تنظیم می‌کند که به دنبال آن، راه صلح و سازش میان همسران هموار باشد. خداوند متعال در این باره فرموده است: «ای پیامبر، چون زنان را طلاق گویند، در زمان بندی عده آنان طلاقشان گویند و حساب آن عده را نگه دارید و از خدا پروردگارتان بترسید. آنان را از خانه‌هایشان بیرون نکنید و بیرون نروند مگر آنکه مرتکب کار

زشت آشکاری شده باشند. این است احکام الهی (طلاق: ۱).

اینکه مرد پس از طلاق دادن همسر خود (طلاق رجعی)، وظیفه دارد چند ماهی او را در خانه خود نگه دارد، وظیفه مناسبی است که خود می‌تواند زمینه صلح و آشتی همسران را مهیا کند. این فرصتی است که در صورت پشیمانی او، در ظرف آن چند ماه بتواند به همسر خود رجوع نماید. خوشبختانه این چنین آموزه های اخلاقی در قانون مدنی نیز مورد توجه قرار گرفته است، به گونه‌ای که در ماده ۱۱۴۹ آمده است: «در طلاق رجعی برای شوهر در مدت عده حق رجوع است» و در ماده ۱۱۰۹ بیان گردیده است. وجود این نوع قوانین در قانون مدنی، می‌تواند بیانگر این باشد که حقوق دانان در تنظیم این گونه روابط، متوجه قرابت فراوان اخلاق و حقوق در روابط همسران بوده‌اند. به این ترتیب، با توجه به آنچه گفته شد، نقش و تأثیر فراوان صلح و سازش در حفظ مودت و رحمت میان همسران غیرقابل انکار است.

۵. روابط کلامی سالم

نیکوسخن گفتن، مشخصه دیگری است که در حفظ مودت و رحمت و یا حتی شکوفایی و استحکام آن در روابط افراد جامعه، از جمله همسران نقش برجسته‌ای دارد. خداوند متعال در قرآن کریم نیز به این مهم توجه داشته، فرموده است: «و قل لعبادی يقولوا التی هی احسن ان الشیطان ینزع بینهم ان الشیطان کان للانسان عدواً مبیناً» (اسراء: ۵۳)؛ به بندگانم بگو آنچه را که بهتر است بگویند که شیطان میانشان را به هم می‌زند؛ زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است. از این آموزه گهربار چنین برداشت می‌شود: شیطان که دشمن آشکار است،



همواره سعی در برهم زدن آرامش و روابط سالم انسان‌ها دارد. بی‌شک او می‌خواهد روابط انسان‌ها، خالی از هرگونه مهر و محبتی باشد؛ زیرا از آن رو که وجود آرامش میان افراد، به خصوص همسران، ارتباط تنگاتنگی با اصل مودت و رحمت دارد. همان‌گونه که در آیه مربوط به اصل مودت و رحمت بیان شد، سلب آرامش و اختلاف و درگیری، از جمله آسیب‌های جدی آن محسوب می‌گردد. از این رو، بر طبق آیه مزبور، بندگان الهی برای در امان ماندن از حربه چنین دشمنی، به نیکو سخن گفتن فراخوانده شده‌اند.

از منظر قرآن کریم، یکی از نعمات بهشتیان این است که آنها در آنجا هیچ سخن لغو و بیهوده‌ای را نمی‌شنوند (واقعه: ۲۵). قطعاً ارتباط گفت و شنود سالم آنها با آن شاخصه رفتاری‌شان، که از هرگونه کینه و دشمنی مصون هستند (رک: اعراف: ۴۳؛ حجر: ۴۷)، بی‌ارتباط نمی‌باشد، بلکه به نظر می‌رسد ارتباط سالم کلامی آنها، از جمله اسباب شکوفایی دوستی و مهرورزی آنهاست که نقطه مقابل کینه و دشمنی است محسوب می‌شود.

فرهنگ متمدن قرآنی بر آن است که همواره پاسخ انسان‌ها در ارتباط با برخوردهای کلامی آنها، به شیوه بهتری ارائه گردد. چنان‌که در قرآن کریم آمده است: «و چون به شما درود گفته شد، شما به صورتی بهتر از آن درود گوید، یا همان را در پاسخ برگردانید که خدا همواره به هر چیزی حسابرسان است» (نساء: ۸۶).

لازم به یادآوری است که فرهنگ قرآن کریم در باب سخن گفتن، فراتر از این موارد است، به گونه‌ای که حتی به لحن سخن گفتن اشخاص نیز توجه شده است: «و در راه رفتن خود میانه رو باش، و صدایت را آهسته ساز که بدترین



آوازه‌ها بانگ خران است» (لقمان: ۱۹). بنابراین، هریک از همسران نیز باید در روابط کلامی خود، به شیوه‌ای آرام سخن گویند و از هرگونه فریادهایی که قرآن کریم آن نحو کلام را به صدای فریادگونه و گوش خراش الاغ تشبیه نموده است، پرهیز کنند.

در کلام ائمه اطهار علیهم‌السلام، برطرفینی بودن این مشخصه (نیکوسخن گفتن) در روابط همسران نیز توجه شده است. از جمله اینکه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره فرموده است: «وهرزنی که شوهرش را با زبانش بیازارد، تا زمانی که شوهرش را راضی کند؛ اگرچه روزها روزه بگیرد و شب‌ها تا صبح به عبادت مشغول باشد» (مجلسی، ۱۴۰۵، ج ۱۰۳، ص ۲۲۴).

بنابراین، رعایت این فریضه اخلاقی که سهم به سزایی در ثبات و شکوفایی روابط محبت‌آمیز و عاشقانه همسران دارد، برهریک از همسران لازم و ضروری است.

۶. خوش خلقی و خوش رویی

بی‌شک، از جمله شیوه‌های بسیار مؤثر در جذب افراد و نفوذ در قلوب آنها، خوش‌رویی و خوش‌خلقی است. این عنصر، یکی از عناصر کلیدی موفقیت انسان‌ها در ارتباط و تعامل با اعضای جامعه خویش است. به این ترتیب، یکی از اساسی‌ترین محورهای خوشبختی میان همسران، اخلاق حسنه و روی باز و شیرین است. چنان‌که این مشخصه کارآمد در بین همسران پویا و فعال باشد، طبعاً زمینه شکوفایی عشق و محبت و دلسوزی همسران، نسبت به یکدیگر هموارتر می‌گردد و در سایه آن، از هرگونه بیزاری و بی‌انسی محفوظ می‌ماند. از



آنجایی که این آموزه اخلاقی، به اصل «معاشرت به معروف» مرتبط است، ضرورت طرح آن در این بخش کمتر است. اما به دلیل اینکه خوش خلقی موجب حفظ و شکوفایی دوستی و الفت میان همسران است، مختصراً در این بخش نیز از آن زاویه بدان پرداخته می‌شود.

قرآن کریم به این اخلاق حسنه توجه ویژه‌ای داشته و خطاب به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «اگر تندخو و سخت دل بودی، قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند» (آل عمران: ۱۵۹). با دقت و تأمل در این آیه شریفه، روشن می‌گردد که تندخویی موجب نفرت و جدایی قلب‌های انسان‌ها از یکدیگر است و طبیعتاً خوش‌رویی و اخلاق پسندیده موجب پیوند قلوب انسان‌ها است. طبیعی است در روابطی که تندخویی بر خوش‌رویی حاکم باشد، ریشه مودت و رحمت آن روابط سست و ضعیف خواهد گشت. این معضل در روابط افراد خانواده، علاوه بر اینکه روابط عاشقانه همسران را مختل می‌کند و آرامش آنها را به هم می‌زند، راه سعادت و خوشبختی فرزندان را نیز مسدود می‌کند.

۷. آراستگی

یکی دیگر از اموری که با اصل مودت و رحمت تناسب دارد و قلوب همسران را نسبت به یکدیگر نزدیک‌تر می‌کند و از جدایی‌ها و سردی‌ها خلاصی می‌دهد، آراستگی و نظافت آنان است. بی‌گمان، طبع و فطرت آدمی همواره نسبت به پاکی و آراستگی گرایش و میل فراوانی دارد و به همان نسبت از آلودگی و عدم بهداشت و بی‌آراستگی گریزان است. این موضوع، در روابط همسران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. خداوند متعال در قرآن کریم،



همسران را به لباس یکدیگر تشبیه کرده، فرموده است: «آنان (شوهران) برای شما لباس هستند و شما (زنان) برای آنان لباس هستید» (بقره: ۱۸۷). روشن است از جمله مشخصه‌های لباس، که با بحث فعلی مرتبط است، این است که لباس، زشتی‌های انسان را می‌پوشاند. این موضوع از آیه شریفه‌ای، که شرح حال حضرت آدم و حوا را در هنگام خوردن از شجره ممنوعه مطرح می‌کند، نیز می‌تواند به دست آید: «پس شیطان، آن دورا و سوسه کرد تا آنچه را از عورت‌هایشان پوشیده مانده بود، برای آنان نمایان گرداند» (اعراف: ۲۰). گفتنی است که «سوءات»، جمع «سواه» است (شرتونی لبنانی، ۱۴۰۳، ق، ج ۱، ص ۵۵۴). به این ترتیب، کنار رفتن لباس آدم و حوا به منزله نمایان زشتی‌های آنها، که در اینجا کنایه از عورت‌های آنان است. با این بیان، یکی از کارایی‌های مختلف لباس، این است که لباس به انسان زیبایی می‌بخشد و از زشتی‌ها دور می‌کند. این حقیقت در ضمن آیه شریفه‌ای که همسران را در قبال یکدیگر به منزله لباس می‌شمارد، می‌تواند حکایت از این باشد که همسران باید همواره موجبات زیبایی و آراستگی یکدیگر را فراهم آورند.

حقیقتی که پیرامون این موضوع ملموس و محسوس به نظر می‌رسد، این است که آراستگی و نظافت همسران، ارتباط تنگاتنگی با مودت و رحمت آنان دارد. چنان‌که در آثار برخی صاحب نظران، شکوفایی مهرورزی همسران در ارتباط با آراستگی آنان، آشکار است. از جمله، عده‌ای در این خصوص معتقدند: «به طور طبیعی هر زن و مردی، دوست دارند همسرشان را آراسته و پاکیزه ببینند و از این آراستگی لذت می‌برند. به کارگیری این مهارت، زمینه لذت بردن هریک از آن دو از یکدیگر را افزایش می‌دهد و بر محبت و دلبستگی آنان به هم می‌افزاید»



(فقیهی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۸). در آثار بسیاری از اندیشمندان، چنین موضوعی بیشتر در قالب وظایف زن نسبت به شوهر تجلی نموده است. حال آنکه در قرآن کریم و سیره و قول ائمه معصومین علیهم السلام این شاخصه، رفتاری کاملاً طرفینی است. افزون بر آیه مربوط، که به هردو همسران نظر داشته است، روایت های ائمه اطهار علیهم السلام نیز ناظر بر طرفینی بودن این موضوع در روابط همسران است. از جمله، امام باقر علیه السلام در این خصوص می فرماید: «زنان همواره خود را بیارایند» (کلینی، ۱۴۰۵ ق، ج ۶، ص ۴۷۵).

۸. اهتمام به خواسته های یکدیگر

از جمله وظایف زوجین، که در شریعت مقدس اسلام از شفافیت و وضوح کاملی برخوردار است، حق تمتع و لذایذ جنسی همسران و یا همان حق تمکین خاص است. حق هم بستری در قرآن کریم به صراحت تام در آیاتی مطرح شده است. از جمله در این زمینه آمده است: «پس چون زنان پاک شدند، از همان جا، که خدا به شما فرمان داده است، با آنان آمیزش کنید» (بقره: ۲۲۲). این حق، در آیه ای دیگر در مورد زنان نیز مطرح شده است (بقره: ۲۲۸). و مانند همان وظایفی که بر عهده زنان است، به طور شایسته، به نفع آنان بر عهده مردان است.

در این باره می توان از اهتمام همسران به خواسته های یکدیگر، به همان تمکین عام تعبیر نمود که این موضوع در نزد شریعت اسلامی، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. اما متأسفانه در بسیاری از آثار و نوشته ها و سخنرانی ها و اندرزها، صرفاً به اطاعت زن از شوهر اشاره شده است، به گونه ای که حتی مرز اخلاق و حقوق در آن دیدگاه ملموس و روشن به نظر نمی رسد. در حالی که از



نظر شریعت اسلامی، این موضوع چون با مودت و رحمت همسران نیز بی ارتباط نیست، کاملاً طرفینی است. هرچند از باب ریاست مرد در خانواده، این موضوع از حیث تکالیف حقوقی، این گونه نخواهد بود، اما از حیث اخلاق، در این خصوص تفاوتی بین همسران یافت نمی شود.

یکی از بارزترین آموزه های قرآن مرتبط با این بحث، درخواست ساره از ابراهیم است. پیرامون چنین موضوعی در قرآن کریم این گونه آمده است: «پروردگارا، من یکی از فرزندانم را در دره ای بی کشت، نزد خانه محترم توسکونت دادم...» (ابراهیم: ۳۷).

بنابر روایات موجود، ساره (همسر حضرت ابراهیم)، به دلیل اینکه فرزندی نداشت، تحمل هاجر (همسر دوم ابراهیم) و فرزند او اسماعیل برایش سخت و ناگوار بود. از این رو، از همسرش تقاضا نمود که آنها را از محل سکونت او دور کند. ابراهیم در قبال خواسته ساره پاسخ مثبت داد و هاجر و اسماعیل را به مقصدی نامعلوم برد، تا اینکه جبرئیل بر او فرود آمد و گفت: «آنها را به حرم خدا در سرزمین مکه بگذار و برو» (مهری کرمانشاهی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۸). بی گمان، چنانچه باور قرآنی با اقدام ابراهیم مخالف بود، در برابر اقدام او اعتراض می کرد و از اینکه او به خواسته همسرش پاسخ مثبت داده است، مخالفت می ورزید. اما در قرآن کریم، نه تنها با عملکرد ابراهیم مخالفتی نشده، بلکه از ساره نیز به عنوان زنی وارسته یاد شده است.

با این بیان، گرچه با وجود مسئولیت سرپرستی مرد در خانواده، دست او در تصمیمات مربوط به طلاق و تعیین محل سکونت و منع زن از اشتغال و... فارغ از محدودیت های قانونی باز است، اما چنین اقدامی از حیث حاکمیت اصول اخلاقی بر روابط همسران، همچون حاکمیت اصل مربوط در صورت نارضایتی و



اکراه زن پذیرفته و نیکونمی باشد و به ریشه الفت و شفقت و مهرورزی همسران آسیب جدی وارد می‌کند. ازاین‌رو، چنان‌که کارشناسان و صاحب‌نظران، در تنظیم قوانین مربوط به همسران، ضمن توجه به اصول حقوقی، به اصول اخلاقی همچون این اصل اهتمام ورزیده، به حفظ نظام خانواده کمک شایان توجهی کرده‌اند. خلاصه آنکه متناسب با محوریت مودت و رحمت در روابط همسران، لازم است آنها به خواسته‌ها و تمایلات یکدیگر احترام ورزیده و در حد مقدور درصدد انجام آنها برآیند.

نتیجه‌گیری

از جمله موضوعات، مسئله ازدواج و همسراری از نگاه قرآن است که رمز پایداری و قوام آن، دواصل مهم مودت و رحمت است. این دواصل در بین همه انسان‌ها جاری و لازم است که ارتباط بین دو همسر، از مصادیق بارز آن است و ادامه زندگی آنان، بدون این دواصل امکان‌پذیر نیست. ازاین‌رو، برای حفظ کیان و حصول آرامش در خانواده، مودت و رحمت مورد اهتمام قرار گرفته است. در این پژوهش، براساس آیات قرآن به این مسئله پرداخته شد که قرآن کریم با منطق بسیار زیبا، زن را لازمه مرد و مکمل او معرفی می‌کند و به او دستور می‌دهد که با همسر خود با کرداری خوش رفتار کند و از ستم در حق او بپرهیزد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱
۱. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم الفریقى المصرى، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۲۰۰۰ م.
 ۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن الکریم؛ قم، ذوی القربی، ۱۴۲۳ ق
 ۳. زمخشری، الکاشف عن حقائق غوامض التنزیل عیون الاقاویل فی وجوه التاویل، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
 ۴. اساس البلاغه، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۲ ق
 ۵. شرتونی اللبنانی، سعید الخوری، اقرب الموارد فی نصح العربیه و الشوارد، قم، مکتبه آیت الله العظمی مرعشی ۱۴۰۳ ق
 ۶. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه، سید محمدحسین موسوی همدانی، قم، دفتر نشر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴
 ۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه، تحقیق و نگارش: علی کرمی، تهران: فراهانی، ۱۳۸۰
 ۸. طوسی، محمد بن الحسن التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت داراحیاء التراث العربی، بی تا.
 ۹. فقیهی، علی نقی، «آموزش های روان شناختی مبتنی بر قرآن و حدیث و بررسی تاثیرات روانی - تربیتی آن در روابط همسران»، تربیت اسلامی، شماره ۴، قم، زیتون، ۱۳۸۶



۱۰. قرائتی کاشانی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۱۱. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، فروع الکافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، بیروت: دارالاضواء ۱۴۰۵ ق
۱۲. گرجی، ابوالقاسم و دیگران، بررسی تطبیقی حقوق خانواده، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۴
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۵ ق.
۱۴. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷
۱۶. منصور نژاد، محمد، مسئله زن، اسلام و فمینیسم (در دفاع از حقوق زنان)، تهران، برگ زیتون، ۱۳۸۱
۱۷. مهری کرمانشاهی، محمد جواد، مجموعه کامل قصه‌های قرآن؛، قم، مشرقین، ۱۳۸۳
۱۸. نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیه، ۱۳۸۹ ق.
۱۹. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تعلیق محمود قوچانی، تهران، المکتب الاسلامیه. بی تا
۲۰. هدفیلد ژ. آ، روان شناسی و اخلاق، ترجمه علی پریور، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴